

مذاکرات سرنوشت‌ساز

احمد زیدآبادی

روندی که در وین آغاز شده است، بی‌هیچ مبالغه‌ای برای جامعه ایرانی سرنوشت‌ساز است. به عبارت روشن‌تر، نتیجه مذاکرات وین جهت‌آینده کشور ما را به‌طور بنیادی رقم می‌زند. این نکته را به تلویح در یادداشتی در بهار سال 1400 در یکی از نشریات کشور یادآور شدم و اکنون لازم است که به صراحت مورد تأکید قرار گیرد. به احتمال بسیار، مذاکرات وین فراز و فرودهای متناوبی خواهد داشت و چه بسا در مراحل، ادامه آن به مویی بند شود. مهم اما این است که در زمان‌بندی مورد نظر طرف‌های ذی‌ربط، این مو قطع نشود و مذاکرات تا دستیابی به توافقی محکم و متوازن ادامه یابد. این همه تأکید بر لزوم دستیابی به توافق، به این علت است که شکست احتمالی مذاکرات، ایران را وارد یکی از دشوارترین مراحل تاریخ خود خواهد کرد؛ وضعیتی که شاید از زمان ظهور دولت مادها در این سرزمین فقط به‌طور انگشت‌شمار پدید آمده است. برخی نیروهای متنفذِ اصولگرا در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی، چشماندازی از این دشواری نداشتند و تا اندازه‌ای به همین علت، به موفقیت مذاکرات وین به دست هیأت مذاکره‌کننده قبلی، تمایلی نشان نمی‌دادند یا نسبت به آن بی‌تفاوت بودند. در واقع انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد سال جاری با همه حرف و حدیث‌های مربوط به آن، در تحولی به ظاهر منفی اما به باطن مثبت، همان نیروهای متنفذ را در معرض امور اجرایی کشور قرار داده است. آنها در چهار ماه اخیر، پاره‌ای از معضلات ژرف و بی‌سابقه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی را از نزدیک لمس کرده‌اند و به احتمال زیاد، چشمانداز دشوار شرایط کشور در صورت شکست مذاکرات، برای‌شان عیان و آشکار شده است. در حقیقت، عمده‌ترین دلیل خوش‌بینی راقم این سطور به نتیجه مذاکرات نیز همین نکته است! در روند تحول و تطور دولت‌ها، معمولاً دورنمای بدیل‌های خطرناک است که گزینه عملگرایی و واقع‌بینی را در بین زمامداران بیدار می‌کند و آنان را به تجدیدنظر در راه و روش‌های مرسوم‌شان وامی‌دارد.

با این‌همه، «تجدیدنظر» همیشه و به خصوص در جایی که ایستایی و انجماد به نوعی ارزش تبدیل شده باشد، با دشواری و احساس شرمندگی و سرافکنندگی همراه می‌شود و این درست همان چیزی است که سرنوشت مذاکرات وین را تهدید می‌کند. در چنین وضعیتی، مکانیسم ذهنی

خودفریبي فعال ميشود و نيروهاي شريك در تصميم‌گيري به جاي مشاهده واقعيات عيني و تعبير و تفسير واقع‌بينانه آنها، به تحليل‌هاي دل‌خوش‌کننده مشاوراني منفك از واقعيت اجتماعي پناه مي‌برند و بدین وسيله بين ذهنيت خود و عالم واقع پرده و حجابي ضخيم پديد مي‌آورد، به طوري که اگر فردي درصدد بازگشايي چشم آنان به روي واقعيات برآيد با انواع تهمت‌ها و برجسب‌ها رانده و مطرود ميشود. چنين شيوه و رويکردي بدون تردید سر از فاجعه در مي‌آورد و موجبات پشيماني را فراهم مي‌کند. پشيماني اما هرگز سودي نداشته و نخواهد داشت. متأسفانه در شرايط امروز ايران همچنان محافل تأثيرگذاري به سختي مي‌کوشند تا اوهام و خيالات خود را به اسم تحليل‌هاي واقع‌بينانه به مراکز تصميم‌گيري منتقل کنند و عملاً خاکستر به چشم تصميم‌گيران و مذاکره‌کنندگان بپاشند. براي بياثر کردن اين نوع کوشش‌ها، بسيار لازم است در جريان مذاکرات، فضاي باز و اميني براي اظهارنظر صريح عموم کارشناسان و صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به اين موضوع در کشور فراهم شود تا از تبادل آزاد آراء و نظرات مختلف با يکديگر، حقايق مکشوف و تهديد‌ها و فرصت‌هاي پيش روي کشور تبين شود. تا اين لحظه بدبختانه هنوز هم نمي‌توان از مخاطراتي که در صورت شکست مذاکرات وين دامن کشور را خواهد گرفت به روشني سخن گفت و درباره آنها استدلال کرد. در واقع، همان محافلي که قصد خودفریبي يا ديگرفریبي دارند، اخطارها و هشدارها را به معنای خالي کردن دل مردم و تضعيف روحيه آنان و نوعي اعمال فشار عليه هيات مذاکره‌کننده و «بازي در زمين دشمن» تعبير و تفسير مي‌کنند و عملاً راه آن را مسدود ميسازند. در حقيقت، اين رفتار به خودي خود، نشانه احساس ضعف مفرط و عدم اعتماد به نفس است و طرف مقابل نه فقط ضعف نهفته در پشت آن را سريع درمي‌يابد بلکه بيشتري بهره‌برداري را هم در جهت تأمين منافع خود از آن مي‌کند. در هر صورت در حالي که رسانه‌هاي امريکا به عنوان کشور مقابل جمهوري اسلامي در مذاکرات وين، با کمترین محدوديتي براي بازتاب نظرات کاملاً مغاير درباره نوع مواجهه دولت جو بايدن با اين ماجرا و هشدار نسبت به پیامدهاي شکست يا موفقيت مذاکرات روبرو نيستند، وسوسه اعمال فشار به رسانه‌هاي ايراني درباره نوع پوشش روند مذاکرات و تحليل‌هاي مربوط به آن، از هر جهت زيانبار و به ضرر نتيجه مذاکرات است. خلاصه کلام اينکه، هيات ايراني در هيچ شرايطي نبايد دست خالي ميز مذاکرات وين را ترك کند، زيرا شرايط داخلي و منطقه‌اي و بين‌المللي کشور پس از شکست احتمالي مذاکرات خيلي خيلي متفاوت از شرايط کنوني آن خواهد شد؛ فعلاً چيزي بيش از اين نمي‌توان گفت.

□□□□□□ 1400 □□□ 9 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□